



University of Tehran

Women's Right to Fertility in the Narrative of Dismissal from Imami and Sunni Perspective

Muhammad Sarmasti^{1*} | Aliakbar Jahani²

1. Corresponding Author, Department of Islamic jurisprudence and legal fundamentals, Theology and Islamic studies, Unuversity of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: mohammad.s.134828@gmail.com

2. Department of Islamic jurisprudence and legal fundamentals, Theology and Islamic studies, Unuversity of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: aajahani@umz.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received 4 September 2022
Revised 20 December 2022
Accepted 1 March 2023
Published Online 17 March 2023

Keywords:
Dismissal,
Fertility,
Permission,
Wife.

ABSTRACT

The women's right to fertility and coagulation of sperm in the womb in marriage is a matter of debate in terms of narrative and human rights in the present era. Maybe, one of the spouses intends to have a child, to delay having child, or to control birth without counseling and making agreement through dismissal or any other modern conventional methods. This may cause dispute among the spouses and create voluminous cases in judicial authorities and sometimes may lead to divorce. Due to its lack of importance in the past, no independent section has been dedicated to this subject by the earlier jurists. But today, the phenomenon of the virtual world, the global village, and the invasion of the western media to ignore the rights of women in Islam, make it necessary to explain the importance of the issue in the present era. This research gathers and analyzes the views of four Sunni and Imami schools of thought as well as the opinions of the modern jurists of the two Islamic sects. It also reviews the rational evidences and narrations in order to address the question of whether the woman will be given any right to have a child through marriage contact. The results of the research show that women have the right to be fertility and having child is a shared right between couples.

Cite this article: Sarmasti, M., Jahani, A. (2023). Women's Right to Fertility in the Narrative of Dismissal from Imami and Sunni Perspective. *Islamic Jurisprudential Researches*, 19 (1). 59-71. DOI: 10.22059/jorr.2023.346647.1009164



Author: Mohammad Sarmasti and 'Aliakbar Jahani

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.346647.1009164>



دانشگاه تهران

پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

حق زنان در باروری در روایت عزل از دیدگاه امامیه و اهل سنت

محمد سرمستی^{۱*} | علی اکبر جهانی^۲

۱. نویسنده مسؤل، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، رایانامه: mohammad.s.134828@gmail.com

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، رایانامه: aajahani@umz.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

کلیدواژه:

...؟؟؟

حق زنان در باروری و انعقاد نطفه در رحم در ازدواج از نظر روایت و هم از منظر حقوق انسانی در عصر کنونی محل بحث و نظر است. بسا یکی از زوجین بعد از ازدواج تمایل و یا عدم تمایل به فرزندآوری، تأخیر، تنظیم و یا تحدید نسل بدون مشورت و هماهنگی از طریق عزل یا یکی از روش‌های متداول امروزی دارد که موجب نزاع در میان زوجین و سبب ایجاد پرونده‌های قطور در مراجع قضایی گاهی نیز به طلاق در میان زوجین منجر خواهد شد. به دلیل عدم اهمیت آن در زمان گذشته، فقهای متأخرین در کتاب‌های فقهی باب مستقلی به آن اختصاص نداده‌اند. اما امروزه با پدیده دنیای مجازی، دهکده جهانی و تهاجم رسانه‌های غربی به نادیده گرفتن حق زنان در اسلام، بیان اهمیت موضوع در عصر حاضر ضرورت دارد. این تحقیق با احصا و تحلیل دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت و امامیه و نظرهای فقهای معاصر فریقین با بررسی ادله عقلی و استنباط از روایات نقلی، درصدد جواب این مسئله است که آیا با ازدواج، حقی برای زن در فرزندآوری ایجاد خواهد شد یا خیر؟ نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که زنان در باروری ذی‌حق‌اند و فرزندآوری حق مشترک بین زوجین است.

استناد: سرمستی، محمد و جهانی، علی اکبر؛ (۱۴۰۲). حق زنان در باروری در روایت عزل از دیدگاه امامیه و اهل سنت. *پژوهش‌های فقهی*، ۱۹ (۱)، ۵۹-۷۱.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.346647.1009164>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان: محمد سرمستی و دکتر علی اکبر جهانی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2023.346647.1009164>



۱. مقدمه

مبحث ممانعت، کنترل و تحدید نسل از قدیم‌الایام و در عصر نبوت به‌منظور منع زاد و ولد کنیزان و اسیران در جهاد و بعد از آن، به دلایل متعددی مانند تنگنای اقتصادی، ضرورت‌های پزشکی و غیره در جامعه اسلامی و دیگر جوامع مطرح و معمول بوده است؛ اما امروزه خانواده‌ها افزون‌بر تنگنای اقتصادی، تغییر روش زندگی، مشکلات تربیتی با وجود فضای مجازی، ناتوانی در تضمین آینده فرزندان در قرن حاضر، دنیا شاهد عدم فرزندآوری در میان خانواده‌ها یا کندی و کنترل جمعیت، اکتفا و اقناع به تک‌فرزند یا دوفرزند است. این رویکرد، افزون‌بر آسیب‌های اجتماعی، روانی و اقتصادی جبران‌ناپذیر، به یکی از چالش‌های زوجین بعد از ازدواج تبدیل شده است. چه‌بسا در میان زوجین، یکی از آنان از طریق عزل یا هر روش دیگر، بر اساس مصلحت یا نیاز، خواهان فرزندآوری و دیگری عدم خواهان یا خواهان تأخیر آن است و این امر، سبب نزاع و گاهی ورود به محاکم قضایی و در مواردی به طلاق منتهی می‌شود. جستار حاضر با استنباط از روایات عزل، درصدد جواب این مسئله است که آیا از دیدگاه مذاهب معتبر اسلامی با ازدواج، حقی برای زن در فرزندآوری ایجاد خواهد شد یا خیر؟ که با تحقیق و تفحص در مذاهب معتبر اسلامی و نظرهای فقهای عظام فریقین به بررسی حق زنان در باروری در صورت عدم عذر و در حالت عادی می‌پردازد و در پایان نیز دستاورد پژوهش بیان می‌شود.

بیشترین ادله ممانعت از باروری را چه به‌صورت طبیعی یا استفاده از وسایل امروزی و آیا فرزندآوری حق مردان است یا زنان و یا مشترک بین هر دو نفر، نقلاً باید از طریق روایت عزل جست‌وجو کرد؛ زیرا در میان آیات و روایات، نزدیک‌ترین روایت مرتبط با موضوع، روایات عزل است. روش‌های دیگر جلوگیری که در عصر کنونی وجود دارند، در حقیقت، همان حکم عزل را دارند. وجود روایت درباره عزل، به این دلیل بود که در عصر نبوی تنها روش متداول آن زمان بوده است و به قیاس به آن، فقها بیان کرده‌اند چنانچه مرد پارچه‌ای را فاصله میان رحم و ذکر قرار داد تا مانع منی به رحم شود، همان حکم را دارد (محمد امیر، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۳۰۴) و چنانچه زوجین برای مدت محدودی از طریق عزل یا هر روش دیگر بر اساس مصلحت یا نیاز تصمیم به جلوگیری از حمل بنمایند، این امر جایز خواهد بود. مبنای آن بر اساس جواز عزل نزد ائمه چهارگانه اهل سنت و جمهور اهل علم است (بن فهد، ۱۴۳۵ق: ۲۰). لکن در استنباط از روایت فوق از جنبه حقوق زنان در زاد و ولد، اگرچه بعضی دانشمندان قدیم و اندیشمندان معاصر درباره آن در موضوع روایت عزل آرای متعددی بیان کرده‌اند، مانند «نووی» در کتاب مجموع از فقهای شافعیه، الدر المختار و المختار در فقه حنفی، شرح الکبیر مالکی، کشاف القناع حنبلی، النهایه شیخ طوسی در فقه امامیه و سایر مراجع عظام معاصر امامیه و اهل سنت. در حوزه پایان‌نامه نیز اشاره‌هایی به موضوع پژوهش حاضر شده است؛ از جمله نوری (۱۳۸۹) به بررسی مبانی فقهی عقیم‌سازی که به بررسی دیدگاه‌ها و استفتائات عقیم‌سازی و عقیم‌سازی موقت از دیدگاه مذاهب پرداخته است، فتاحی و موسوی (۱۳۹۲) دیدگاه مذاهب اسلامی در سقط‌جنین را تحلیل کرده است. همچنین مقالاتی نیز مانند حق استیلا با استناد قاعده سلطنت و یا منع فرزندآوری از دیدگاه مذاهب اسلامی با شرط استیلا در نکاح با نتیجه‌گیری متفاوت بررسی و تدوین شده است؛ ولی حق زوجه در استیلا در روایات عزل از دیدگاه مذاهب خمس که مشترک و مورد استناد فقهای فریقین است، بررسی نشده است. به همین سبب پژوهش حاضر، از دریچه تازه‌ای به این موضوع می‌پردازد.

۲. عزل

عزل: در اصطلاح فقهی عبارت است از بیرون آوردن آلت تناسلی تا منی مرد به رحم زن ریخته نشود. روش‌های دیگر که در عصر کنونی وجود دارد، جایگزین عزل‌اند. وجود روایت درباره عزل به این دلیل بوده که در عصر نبوی تنها روش متداول آن زمان بوده است و به قیاس به آن فقها بیان کرده‌اند، چنانچه مرد پارچه‌ای را فاصله میان رحم و ذکر قرار داد تا مانع منی به رحم شود همان حکم را دارد. اگر زوجین برای مدت محدودی از طریق عزل یا هر روش دیگر بر اساس مصلحت یا نیاز تصمیم به جلوگیری از حمل بنمایند این امر جایز خواهد بود مبنای آن جواز عزل نزد ائمه چهارگانه اهل سنت و جمهور اهل علم است (محمد امیر، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۳۰۴؛ احکام النساء (لمکارم) // ۲۳۹: بن فهد، ۱۴۳۵ق: ۲۰).

۳. حق زنان در باروری از دیدگاه مذاهب اسلام

۱.۳. شافعیه

فقه‌های شافعی، اصل عزل را به طور مطلق به دلیل خبر صحیح بخاری و مسلم از جابر: «کنا نعزل علی عهد رسول الله (ص) والقرآن ینزل فبلغه ذلک فلم ینهاها» جایز شمرده‌اند. صاحب کتاب فتح/العزیز در خصوص زنان آزاده دو نظریه از فقه‌های شافعی را مطرح کرده است که نظریه غالب را به سبب روایت جابر، جایز شمرده این نیز از دیدگاه رافعی مقبول‌تر است (رافعی، ۶۲۳ق، ج ۸: ۱۸۰). از دیدگاه «عبدالبر»، یکی دیگر از فقه‌های شافعی، عزل، بدون رضایت زنان، بدون هیچ‌گونه اختلافی واقع نمی‌شود؛ چون جماع و مطالبه جماع، حق زنان است و مراد از جماع، جماعی است که همراه با انزال باشد. «حافظ ابن حجر» در تأیید آن می‌گوید: «اکثر فقه‌های شافعی، عزل زن آزاده را بدون هماهنگی، جایز ندانسته و به حدیث «نهی رسول الله (ص) ان یعزل عن الحره إلا بإذنها» استدلال نموده‌اند. اما «امام نووی» عزل را بدون اذن زنان آزاده، جایز و آن را اصح اقوال می‌داند (نووی، ۶۷۶ق، ج ۱۶: ۴۲۲). فقه‌های بعد از آن به عنوان قول راجح فقه‌های شافعی قلمداد نمودند. بنابراین، مذهب شافعی قائل به اباحه یا کراهت عزل بدون اذن زوجه‌اند. از نظر آنان نص یا قیاس بر منصوصی در رابطه با تحریم وجود ندارد و اصل بر اباحه آن است و نیز به قیاس بر اصولی مانند (اصل در ترک نکاح یا ترک جماع بعد از نکاح و یا ترک انزال بعد از ایلاج است) اصل بر عدم تحریم وجود دارد (زیدان، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۲۴۹) و زنان تنها در وطاء صاحب حق‌اند نه در انزال؛ زیرا یکی از مواردی که زنان حق فسخ دارند، وجود عین در مردان است و به محض وطاء آنان توسط مردان اگرچه بدون انزال هم باشد، دیگر آنان حقی را برای فسخ نکاح نخواهند داشت (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۸۶).

۲.۳. امامیه

فقه‌های امامیه در خصوص عزل و تصمیم بر فرزندآوری، نظرهای متعددی بیان کرده‌اند که «شیخ طوسی» در نهاییه، «ابن براج»، «ابن ادریس»، «محقق ثانی» و بیشتر متأخران، آن را بدون هماهنگی و رضایت زنان، مکروه دانسته‌اند. صاحب کتاب عروه/الوثقی با «تعالیق امام خمینی» این را قول مشهور و اقوی می‌داند (آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۰۷؛ علامه، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۱۱۲؛ یزدی، ۱۴۲۲ق: ۹۲۷). کسانی که حکم به کراهت داده‌اند، اصل بر براءة ذمه، روایت ابن بابویه از محمد بن مسلم «انه سأل أبا جعفر علیه السلام عن العزل؟ فقال: الماء للرجل یصرفه حیث یشاء» و روایت: «اما الحره فإنی أکره ذلک الا ان یشترط علیها حین تزوجها» مؤید دیدگاه خود قرار داده‌اند. از دیدگاه این فقها زنان در وطاء صاحب حق‌اند نه در انزال، این نیز اختیار سلار و دیدگاه فقه‌های متأخرین است (حلی، ۴۱۰ق، ج ۳: ۴۱۹؛ آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۰۸؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱: ۶۲). و اینکه هدف از نکاح، فرزندآوری است آن را مستوجب تحریم نمی‌دانند و از نظر آنان، اصل نکاح هم با مجرد طلب ولد، واجب نخواهد شد. چنانکه فقها حکم به اباحه یا استحباب آن داده‌اند (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲: ۵۰۴؛ جمعی از مؤلفان، ج ۳۳: ۳۰). صاحب جواهر/الکلام استدلال و ادله کسانی را که به تحریم و کسانی به کراهت معتقدند به صورت تکمیل و تفصیل آورده است و در نهایت، روایت نبوی: «انه نهی أن یعزل عن الحره الا بأذنها» را حمل بر کراهت می‌داند و این که هدف از ازدواج، فرزندآوری است آن را حکمت غیر مطرد به حساب می‌آورد. علاوه بر این، نص روایت «أنه ماؤه یضعه حیث یشاء» و امثال این روایت، ظاهر یا صریح در عدم استحقاق زن بر مرد است. روایت‌های دیگر هم توانایی مقابله با این روایت‌ها را ندارد. معظم فقها مانند «حلی»، «فاضل» در «مختلف»، «محقق ثانی»، «شهیدین» و غیر اینها حکم به کراهت نموده‌اند و ادعای اجماع، درباره حرام بودن عزل، بر خلاف دیدگاه این فقهاست و باید اجماع مذکور را بر استحباب ترک عزل حمل کرد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ۱۱۴). «شیخ انصاری» نیز ادعای اجماع «شیخ طوسی» را در مورد حرمت عزل به دلیل اصل و روایات فراوان فوق‌الذکر، مردود می‌داند. از نظر شیخ، استدلال و تمسک آنان به این روایت از حضرت علی (ع): «أن علی المفزع دية النطفة عشرة دنانیر» و عدم وجود یا عدم ارائه روایت دیگر، در ما نحن فیه با تفاوت فاحشی که دارد، در نهایت اشکال است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۷۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق: ۶۹۷). لکن عده‌ای از فقه‌های معاصر مانند حضرات «فاضل لنکرانی»، «خوئی» و «سیستانی» به زنان بدون اذن مردان اجازه جلوگیری داده و فرزندآوری را حق مردان بر زنان نمی‌دانند (لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۴۵۹؛ خوئی، ۱۴۲۷ق: ۱۵۸؛ سیستانی، ۱۴۲۲ق: ۵۷۸).

۳.۳. حنفیه

حنفی‌ها اصل عزل را به دلیل روایت بخاری از جابر «کنا نعل و القرآن ينزل» و روایت‌های دیگر، جایز می‌دانند و در بحث عزل زنان آزاده، إذن و هماهنگی با آنان را لازم دانسته‌اند. زیرا آنان در فرزندآوری و استمتاع صاحب حق‌اند (ابن نجیم، ۱۴۲۲ق، ج: ۱: ۱۸۰). در کتاب *البنایه شرح الهدایه* آمده است که زنان منکوحه در جماع، ذی‌حق‌اند و عزل سبب نقص جماع است و بالاجماع مطالبه حق جماع دارد تا از زنا مصون بماند. برخلاف امه مملوکه که چنین حقی را نخواهد داشت (عینی، ۱۴۲۰ق، ج: ۵: ۲۲۱) و برای اثبات این موضوع علاوه بر مقاصد شریعت به روایت‌های از پیامبر خدا (ص) «نهی عن العزل عن الحرة إلا یاذننها» و به مولای امه فرمود: «أعزل عنها إن شئت» و نیز انگیزه اصلی در نزدیکی با کنیزان تخلیه شهوت است نه طلب ولد، استناد کرده‌اند و روایت نبوی: «تکاحوا تکثروا» و «تزوجوا الولود الودود» اشاره به این دارد که هدف از مشروعیت ازدواج، تناسل و توالد است. بنابراین روایات، اهداف و مقاصد فوق بیانگر آن است. در عزل امه، عدم اجازه و در زن منکوحه اجازه لازم است. حتی بعضی فقها در این زمینه، ادعای اجماع کرده‌اند (أفندی، ۱۰۶۹ق، ج: ۱: ۳۶۶؛ ابوالفضل، ۱۳۵۶ق، ج: ۴: ۱۶۳ و ۱۶۴؛ حصنی، ۱۴۲۳ق، ج: ۱: ۱۹۷؛ ابن عابدین، ۱۲۵۲ق، ج: ۳: ۱۷۵؛ ملا، ۸۸۵ق، ج: ۱: ۳۱۵).

۳.۴. مالکیه

مالکی‌ها مانند سایر مذاهب، اصل عزل را صحیح دانسته و می‌گویند در میان یاران رسول خدا در مورد آن اختلاف بود. بعضی صحابه آن را کراهت پنداشته‌اند؛ زیرا در روایت آمده است که رسول خدا (ص) در جواب سؤال شخصی در این زمینه فرمود: «ذالک وأد الخفی»، اما آنچه جمهور صحابه به آن اعتقاد داشتند، اباحه عزل است. که عزل کنیزان را بدون إذن و زنان آزاده را با إذن جایز می‌دانند (قرطبی، ۱۴۰۸ق، ج: ۱۸: ۱۵۲؛ عبدی، ۱۴۱۶ق، ج: ۳: ۴۷۶). خواه إذن در مقابل مبلغی باشد یا مجانی، آنچه معتبر است؛ إذن آنان است. مطرح کردن مبلغ در مقابل إذن بیانگر آن است که زنان در وطء و حمل صاحب حق‌اند و حق آنان در این مذهب به رسمیت شناخته شده است و چون عزل سبب ناتمام ماندن جماع یا به عبارت دیگر نقص لذت جماع برای زنان حاصل و یا آنان از حمل و زاد و ولد محروم می‌نماید، بدون إذن آنان برای مردان عزل مباح نخواهد بود (قرافی، ۸۴ق، ج: ۴: ۴۱۹).

۳.۵. حنبلیه

مذهب حنبلی نیز مانند سایر مذاهب به دلیل حدیث جابر بن عبدالله «کنا نعل و القرآن ينزل لو كان شیئا ینهی عنه لهنانا عنه القرآن» اصل عزل را مباح دانسته است (ابن دقیق، ۷۰۲ق، ج: ۱: ۳۳۳؛ محمدشریف، ۱۴۱۹ق، ج: ۱: ۲۷۸). در خصوص اجازه عزل از همسران مانند فقهای حنفی و مالکی معتقد به رضایت زنان‌اند؛ زیرا روایتی از «ابن عمر» که «امام احمد» و «ابن ماجه» آن را روایت کرده‌اند، آمده است: «نهی رسول الله -صلی الله علیه وسلم- أن یعزل عن الحرة إلا یاذننها» (ابن قدامه، ۶۲۰ق، ج: ۲۳: ۳۹۴؛ عثمان بن عبدالله، ۱۴۲۴ق، ج: ۳: ۴۲۶؛ ابواسحاق، ۱۴۱۸ق، ج: ۶: ۲۴۶؛ مرداوی، ۱۴۱۵ق، ج: ۸: ۳۲۸). زنان نیز با عزل متضرر خواهند شد. علت إذن از زنان دو چیز مطرح کرده‌اند. یکی اینکه آنان در زاد و ولد و دیگری در کمال استمتاع دارای حق هستند (بهوتی، ۱۴۲۱ق، ج: ۱۲: ۸۱؛ بهوتی، ۱۴۱۴ق، ج: ۳: ۴۳).

دیدگاه مذاهب و فقهای آنان در موضوع رضایت زوجین یا مخالفت یکی از آنان در عزل را می‌توان به سه دیدگاه تقسیم کرد: دیدگاه اول: مشهور فقهای امامیه و غالب فقهای شافعیه جلوگیری و ممانعت از فرزندآوری حق مردان و رضایت زنان را غیر مشروط می‌دانند. امامیه به روایت معتبر مستفیضه: «سألت أبا عبدالله علیه السلام عن العزل فقال: ذلک الی الرجل» و روایتی که از امام جعفر (ع) درباره زن آزاده سؤال می‌شود: «الرجل یکون تحته الحرة أیعزل عنها؟ قال: ذلک الیه أن شاء عزل وإن شاء لم یعزل» و روایت‌های دیگر عزل از زنان آزاده بدون اذن آنان جایز دانسته‌اند (آبی، ۱۴۱۷ق، ج: ۲: ۱۰۷؛ علامه، ۱۴۱۳ق، ج: ۷: ۱۱۲؛ یزدی، ۱۴۲۲ق: ۹۲۷).

شافعیه نیز معتقدند زنان تنها در وطء صاحب حق‌اند نه در انزال و اذن آنان در باروری شرط نیست، زیرا یکی از مواردی که زنان حق فسخ نکاح دارند، وجود عین در مردان است و به محض وطء آنان حقی را برای فسخ نکاح نخواهند داشت (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج: ۳: ۱۸۶). از نظر آنان نص یا قیاس بر منصوصی در رابطه با تحریم وجود ندارد و اصل بر اباحه آن است (زیدان، ۱۴۱۷ق، ج: ۹: ۲۴۹).

دیدگاه دوم: فرزندآوری و کمال استمتاع زوجین از یکدیگر حق مشترک و باید با اذن و رضایت زوجین باشد و عزل مردان را بدون هماهنگی با زنان حرام می‌دانند. طرفداران این نظریه مذاهب حنفی، مالکی، حنبلی، شیخ طوسی، مفید و ابن حمزه در امامیه و ماوردی، عبدالبر و ابن حجر شافعی است که دلیل عمده این نظریه استناد به روایتی از رسول خدا(ص): «نهی رسول الله عن العزلة إلا بإذنها»، به دلیل وجود کفاره در صورت عزل از زنان و زنان معزوله نیز در استمتاع و لذت جوی متضرر و در نتیجه موجب کاهش زاد و ولد می‌شود این نیز با تشویق و ترغیب پیامبر در تکثیر نسل و با انگیزه اصلی نکاح در تضاد است. زیرا انگیزه در نکاح دائم فرزند آوری است و غالباً با عزل این امر محقق نخواهد شد در نتیجه با مقاصد شریعت در منافات است. بیان کرده‌اند(حلی، ۱۳۸۸ق: ۵۷۶؛ طوسی، ۱۳۸۷ق: ۴: ۲۶۶)؛ صیمری، ۱۴۲۰ق: ۳: ۱۴؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷ق: ۲۹: ۱۵۲؛ ماوردی، ۱۴۱۹ق: ۹: ۳۲۰؛ ابن قدامه، ج ۲۳: ۳۹۴؛ ابن جزی، ۷۴۱ق: ۱: ۱۴۱؛ ابن نجیم، ۱۴۲۲ق: ۱: ۱۸۰؛ بهوتی، ۱۴۲۱ق: ۱۲: ۸۱).

دیدگاه سوم: بعضی دیگر از فقهای معاصر برخلاف نظر قدما فرزندآوری حق مردان بر زنان نمی‌دانند و زنان بدون اذن و مخالفت مردان می‌توانند از باروری جلوگیری کنند. این نظریه حضرات فاضل لنکرانی، خوئی و سیستانی است که به زنان بدون اذن مردان اجازه جلوگیری داده و فرزندآوری حق مردان بر زنان را نمی‌دانند (لنکرانی، ۱۴۲۵ق: ۱: ۴۵۹؛ خوئی، ۱۴۲۷ق: ۱۵۸؛ سیستانی، ۱۴۲۲ق: ۵۷۸)، البته این در مورد عقد دائم است و در مورد عقد موقت که از دیدگاه امامیه حکم بر جواز آن وجود دارد، چون اهل سنت اعتقادی بر آن ندارند و اصل آن را باطل و غیرمشموع می‌دانند، در تحقیق حاضر موضوعی برای جواز عزل در خصوص آن وجود ندارد.

با تفحص از مذاهب فوق، مشهور فقهای امامیه و قول غالب فقهای شافعیه با دلایلی که مطرح کردند، جلوگیری و ممانعت از فرزندآوری، حق مردان و جزء اختیارات آنان می‌دانند که یکی از آنها اباحه عزل است؛ چنانکه صاحب *مختلف الشیعه* و «زیدان» حکم به اباحه کرده‌اند که اباحه اصل است (الاصول فی الاشیاء الاباحه) (حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۷۲۶ق: مختلف الشیعه فی احکام الشریعه ج ۷: ۱۱۳؛ زیدان، ۱۴۱۷ق: ۹: ۲۴۹) و معتقدند زنان تنها در وطاء صاحب حق‌اند نه در انزال. با این توجیه یکی از مواردی که زنان حق فسخ نکاح دارند، وجود عین در مردان است و به محض وطاء آنان توسط مردان اگرچه بدون انزال هم باشد، دیگر آنان حقی را برای فسخ نکاح نخواهند داشت (انصاری، ۱۴۲۲ق: ۳: ۱۸۶) و نیز نص یا قیاس بر منصوصی در رابطه با تحریم وجود ندارد و اصل بر اباحه آن است و به قیاس بر اصولی مانند اصل در ترک نکاح یا ترک جماع بعد از نکاح و یا ترک انزال بعد از ایلاج است، اصل بر عدم تحریم وجود دارد (زیدان، ۱۴۱۷ق: ۹: ۲۴۹). اما این دلایل محکی نیست. اولاً: باید اصل در عدم عزل قرار داد؛ زیرا یکی از مقاصد شریعت در ازدواج فرزندآوری است؛ ثانیاً: وقتی حق آنان در وطاء به رسمیت شناخته‌اند، باید نتیجه آن را بر اساس قاعده فقهی و حقوقی فرع تابع اصل «من ملک الشئ ملک ماهومن ضروریاته» بپذیرند؛ ثالثاً: فقها استدلال کرده‌اند زنان در وطاء صاحب حق‌اند نه در انزال. آنچه مسلم است منافع وطاء دو چیز است. ۱. لذتجویی و ۲. تولد ولد. در خصوص قسمت اول بر مبنای کتاب‌های فقهی زنان بر مردان حق مضاجعه دارند نه جماع (شمس‌الدین، ۱۴۰۴ق: ۶: ۳۸۰؛ اسکافی، ۱۴۱۶ق: ۴: ۲۶۴) و اگر منفعت دوم (حق فرزندآوری) را از آنان سلب کنیم، دیگر چنین حقی عملاً برای آنان متصور نیست و تراحم صورت خواهد گرفت.

رباعاً: از نظر فقهای شافعی، قیاس عزل با اصولی مانند اصل در ترک نکاح یا ترک جماع بعد از نکاح و یا ترک انزال بعد از ایلاج است فارغ از اینکه این اصول (مقیس علیها) معتبر باشند یا خیر؟ قیاس مع الفارق است، زیرا یکی از اهداف و مقاصد شریعت در ازدواج فرزندآوری است و در مورد حق فسخ زنان که با وطاء ساقط می‌شود و بحث انزال را مطرح نکرده‌اند، به این دلیل است که وظیفه فقها حکم به ظاهر موضوع است و عمل وطاء را مسئله ظاهری، و انزال در درون رحم، نزد فقها موضوع خفی بوده که حکم فقها بر مبنای ظاهر مسئله است؛ زیرا اگر فقها برای فسخ علاوه بر وطاء، انزال را نیز شرط فسخ قرار می‌دادند و مرد و زن بعد از اعتراف به وطاء بر موضوع انزال چنین دعوایی را مطرح می‌کردند، به کدامین دلیل، اثبات شود که مدعی (مرد) در انزال یا مدعی علیه (زن) در عدم انزال صادق است؟ پس اگر فقها برای فسخ نکاح اشاره‌ای به این موضوع نداشته‌اند، به این دلیل بوده است و استناد به آن نمی‌تواند اثبات مدعی علیه نماید.

خامساً: تعدادی از احادیثی که امامیه به آن استناد کرده‌اند، به صورت مطلق آمده و در برخی روایات با قید استثنا (الی ان یشرط علیها) و در اخبار *عیون الرضا* تعدادی از زنان آزاده نیز نام برده شده که بدون اذن آنان عزل، جایز است و می‌توان نتیجه گرفت: ۱. در میان فقهای فوق‌الذکر، تعداد اندکی یافت می‌شود. در مورد انگیزه استثنا روایت فوق‌الاشاره، اشاره‌ای به حق زنان در تصمیم‌گیری در زاد و ولد داشته باشند. بیشتر انگیزه استثنای روایت را بر لذت استمتاع یا تزیین نسل یا اینکه با اهداف شارع منافات دارد، برداشت کرده‌اند که بیان این اهداف از قسمت پایانی روایات از لسان معصوم ذکر نشده، بلکه بیان آنان از جهات اجتهادات شخصی و برحسب زمان و مکان یا ظن و تخمین فقها بوده است نه از منبع وحی یا لسان معصوم؛ ۲. بیشتر احادیث عزل در فقه امامیه و اهل سنت با ملاحظه کتب فریقین در مورد کنیزان یا سؤال از امامان در رابطه با آنان بوده است؛ ۳. آنچه مسلم و مورد قبول تمام مذاهب است؛ نزدیکی با کنیزان نیاز به هماهنگی ندارد؛ ۴. اگر روایتی به صورت مطلق یا عام وارد شده بر مبنای تبادل باید حمل بر کنیز شود و کنیز قدر متیقن در مانحن فیه است و در مورد زنان آزاده اختلاف مذاهب، بلکه اختلاف فقهای مذاهب امامیه و شافیه که قائل به جوازند، وجود دارد که از نظر علم اصول در چنین مواردی به قدر متیقن که همان عزل کنیز تخصیص داده می‌شود؛ ۵. در روایاتی که مطلق آمده است، درباره ماهیت عزل از امام سؤال شده و امام در مقام بیان نبوده تا قیودات آن را ذکر نماید، بلکه اصل مشروعیت آن را بیان فرموده است؛ ۶. روایت «عیون اخبار الرضا» از «یعقوب جعفی» که می‌گوید: «سمعت أبا الحسن (ع) یقول لا بأس بالعزل فی ستة وجوه المرأة التي أیقنت أنها لاتلد و المسنة و المرأة السلیطة و البذیة و المرأة التي لاترضع ولدها و الأمة». با توجه به مفهوم مخالفه (لا بأس) می‌تواند مراد از زنان آزاد در روایت‌های مطلق همان زنانی باشد که در این روایت به آنها اشاره شده است؛ زیرا اقوال معصوم در یک راستا وارد شده و اقوال آنها تفسیر یکدیگرند.

از نظر نگارنده با ملاحظه دلایل عقلی و نقلی با ازدواج، حق فرزندآوری و کمال استمتاع برای زوجه ایجاد خواهد شد؛ کما اینکه برای زوج وجود دارد. ایجاد این حق از روایت: «نهی رسول الله أن یعزل عن الحرة إلا بإذنها» سنن ابن ماجه، نسائی، ج: ۱، ۱۳۵، مسند ابن ابی شیبیه، ۱۳۳۵ق: ۵۱۳ و مسند امام احمد، ۱: ۱۳ مستفاد است که کلمه نهی و نیز ادات حصر (الا باذنها) در آن بیانگر لزوم اذن از زنان است و نهی از نظر اصولی‌ها برای تحریم است (مظفر، ۱۳۸۳ق، ج: ۱، ۱۱۵؛ الشوکانی، ج: ۱، ۲۴۳) و نباید بدون دلیل از حکم واقعی آن صرف‌نظر و آن را به کراهت یا اباحه تأویل و تبدیل کرد. بنابراین، اذن زنان منکوحه دائم در باروری لازم است. حتی بعضی فقها در این زمینه ادعای اجماع کرده‌اند (أفندی، ۱۰۶۹ق، ج: ۱، ۳۶۶؛ ابوالفضل، ۱۳۵۶ق، ج: ۴، ۳۱ و ۱۶۳). شیخ طوسی، مفید و ابن حمزه با ملاحظه قید استثنای (الان یشرط علیها) در روایت «اما الحرة فانی اکره ذلك الی ان یشرط حین یتزوجها» ایجاد حق فرزندآوری در ازدواج برای زنان به دلیل وجود کفاره در صورت عزل از زنان، و اینکه زنان آزاده در تولد ولد صاحب حق‌اند و زنان معزوله نیز در استمتاع و لذت‌جویی متضرر و در نتیجه موجب کاهش زاد و ولد می‌شود، به رسمیت شناخته‌اند که این نیز با تشویق و ترغیب پیامبر(ص) در تکثیر نسل و با انگیزه اصلی نکاح در تضاد است؛ زیرا انگیزه در نکاح دائم، فرزندآوری است و غالباً با عزل، این امر محقق نخواهد شد و در نتیجه با مقاصد شریعت در منافات است (حلی، ۱۳۸۸ق: ۵۷۶؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج: ۴، ۲۶۶؛ صیمری، ۱۴۲۰ق، ج: ۳، ۱۴؛ اشتهازدی، ۱۴۱۷ق، ج: ۲۹۶، ۱۵۲).

از نظر عرف، شرع و عقل نیز باید بین همسران دائم و غیره تفاوت قائل شد؛ زیرا در همسران، مسئولیت و محدودیتی ایجاد خواهد شد و درد و رنج حمل و مراحل بعد از آن تا زمان حضانت بر دوش آنان است و آنان متضرر می‌شوند و تحمل رنج چندساله بدون هماهنگی با آنان و تنها با اراده مرد، عقلاً، عرفاً و بر مبنای قاعده فقهی (لاضرر) و آیه (و لاترزو وازرة و زراخری) (انعام/۱۶۴) جایز نخواهد بود. قرآن به صراحت در مورد شیردهی، مشاوره با آنان را لازم دانسته است. «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره/ ۲۳۳). چطور در بارداری و درد و رنج زایمان و پرورش و نگهداری بعد از آن هماهنگی با آنان را لازم نمی‌داند که شیردهی جزئی از آن است. علاوه بر ادله فوق در حدیث مسلم روایت شده «الرجل تكون له المرأة ترضع فیصیب منها ویکره أن تحمل منه و الرجل تكون له الأمة فیصیب منها ویکره أن تحمل منه قال: فلاعلیکم ألا تفعولوا ذاکم فأنما هو القدر» چگونه به خاطر دختر بچه شیرخوار زاد و ولد توقیف می‌شود، ولی با وجود عدم رضایت مادر آن، باروری به وی تحمیل می‌نماید. از جهت دیگر آیات و روایات فراوانی بر حقوق مسلم انسان‌ها دلالت دارد که آنها به‌مثابه قانون اساسی‌اند و عقل

عقلای عالم بر آن اتفاق دارند. بنابراین محقق و پژوهشگر در اجتهادات خود، لازم است در راستای آنها حکم اجتهادی خود را اعلام کند و با جمع بین آنها و بین روایات و نیز ملاحظه عقل عقلا و حقوق انسانی، نتیجه معقول و معتبر در مانحن فیه به وجود خواهد آمد؛ از جمله بررسی آیه کریمه (ولقد کرمانا بنی آدم) (اسراء/ ۷۰) که آیه امتنانی است احترام به حقوق انسان؛ اعم از مرد و زن. لازمه شرعی و لازمه تکریم نیز احترام به تمام حقوق؛ اعم از تصمیم گیری در مسائل شخصی و اجتماعی است و در صورت عدم آن، امتنان و تکریمی محقق نخواهد شد؛ زیرا از نظر شریعت حرمت و کرامت انسانی یک اصل و اساس است که به صورت مطلق و بدون قید تمام انسان ها را پوشش می دهد. بنابراین در عزل لازم است با زنان هماهنگی شود. این نظریه نیز مورد پذیرش مذاهب مالکی، حنفی و حنبلی است که آرای آنان به طور کامل، مستقل و موجز در تأیید موضوع بیان شد.

۴. نتیجه

مشهور فقهای امامیه و قول غالب فقهای شافعیه، جلوگیری و ممانعت از فرزندآوری را حق مردان است. که امامیه به روایت معتبر مستفیضه: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن العزل فقال: ذلك الی الرجل» و تعداد روایات دیگر استناد کرده است. اما از دیدگاه «مفید» و «ابن حمزه» و «شیخ» در کتاب مبسوط و خلاف عزل بدون هماهنگی زوجه غیر جایز است و معتقدند زنان آزاده در تولد ولد، صاحب حق اند و زنان معزوله نیز در استمتاع و لذت جویی متضرر و در نتیجه موجب کاهش زاد و ولد می شود و این رویکرد نیز با تشویق و ترغیب پیامبر در تکثیر نسل و با انگیزه اصلی نکاح در تضاد است؛ زیرا انگیزه در نکاح دائم، فرزندآوری است و غالباً با عزل این امر، محقق نخواهد شد و در نتیجه با مقاصد شریعت منافات دارد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۲۶۶؛ حلی، ۱۳۸۸ق: ۵۷۶؛ صیمری، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۱۴؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹: ۱۵۲). بعضی از فقهای معاصر مانند حضرات «فاضل لنکرانی»، «خوئی» و «سیستانی» به زنان بدون اذن مردان، اجازه جلوگیری داده اند و فرزندآوری را حق مردان بر زنان نمی دانند (لنکرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۴۵۹؛ خوئی، ۱۴۲۷ق: ۱۵۸؛ سیستانی، ۱۴۲۲ق: ۵۷۸). مذهب شافعی در مانحن فیه دارای دو نظریه اند؛ گروه غالب، فرزندآوری را حق مردان دانسته و معتقدند زنان تنها در وطاء صاحب حق اند نه در انزال؛ زیرا یکی از مواردی که زنان حق فسخ نکاح دارند، وجود عنین در مردان است و به محض وطاء آنان توسط مردان، اگرچه بدون انزال هم باشد، دیگر آنان حقی برای فسخ نکاح نخواهند داشت (انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۸۶). «امام نووی» و فقهای بعد از ایشان، عزل را بدون اذن زنان آزاده جایز و آن را اصح اقوال می داند (نووی، ۶۷۶ق، ج ۱۶: ۴۲۲). لکن از نظر مذاهب حنفی، مالکی و حنبلی به دلیل روایت «نهی رسول الله (ص) ان یعزل عن الحرة إلا بإذنها» حق فرزندآوری در زن آزاده، مشترک بین زوجین است و زنان را در زاد و ولد صاحب حق دانسته اند (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۹: ۳۲۰؛ ابن قدامه، ۶۲۰ق، ج ۲۳: ۳۹۴؛ ابن جزی، ۷۴۱ق، ج ۱: ۱۴۱؛ ابن نجیم، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۸۰).

به نظر نگارنده کمال استمتاع و فرزندآوری حق مشترک بین زوجین است و هدف در عزل، ممانعت از فرزندآوری کنیزان و اسیران بوده است و مجامعه با آنها یا به خاطر ضرورت و دوری از خانواده یا از بهر خوشگذرانی و تخلیه شهوت بوده است و اکثر احادیث در مانحن فیه مربوط به عزل آنان است و اگر احادیثی به طور مطلق وارد شده و بیانگر اصل اباحه است، منصرف یا مقید یا حمل بر زنانی می شود که کنیز یا زنانی اند که نمی توانند حامله شوند یا دارای عذر شرعی هستند؛ چنانکه در روایت اخبار «عیون الرضا» و حدیث مسلم آمده است (زیدان، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۲۵۴) یا اینکه صاحب فرزندان زیادی باشد و توانایی تهیه مخارج آنها را نداشته باشد (غزالی، ۵۰۵ق، ج ۲: ۴۷). بنابراین در غیر این صورت، مشورت با آنان لازم است و باید با هماهنگی در مورد حمل تصمیم گیری کنند تا این امر موجب کاهش اختلاف بین زوجین و نیز منجر به کاهش طلاق گردد و آمار پرونده هایی از این دست در دادگستری کم شود؛ زیرا با توجه به آمار سازمان ثبت اسناد در جامعه کنونی از هر چهار عقد ازدواج، یکی از آنها به طلاق منجر خواهد شد.

بسا گاهی زوجه اشتباهی فرزندآوری دارد و دیگری به سبب تورم و مشکلات اقتصادی اکتفا به تک فرزندی یا عدم فرزندآوری یا تأخیر آن بعد از ازدواج تا سال های متمادی می نماید، اگر زوجین را ذی حق بدانیم، در صورت اختلاف در میان آنان می توان به صورت قانونی از مراجع قضایی قضیه را دنبال کنیم و قضات محترم، موضوع را چنین قضاوت کنند که در صورت مخالفت یکی

از آنان، اگر زوج خواهان فرزندآوری و زوجه عدم خواهان آن باشد، زوج در دادگاه خانواده، قادر به طرح دعوی الزام به فرزندآوری شود، همانند طرح دعوی الزام به تمکین؛ چنانچه پس از حکم دادگاه تمکین نکند، نفقه آن ساقط گردد و زوج بر مبنای تعمیم ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ بتواند همسر دوم را انتخاب کند و اگر زوجه خواهان و زوج عدم خواهان فرزند باشد و زوج از حکم دادگاه استنکاف نماید، زوجه از باب عسر و حرج بر اساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی درخواست طلاق کند.



منابع

- القرآن الكريم.

١. آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷ق). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
٢. ابن نجیم، زین الدین بن إبراهیم (۱۴۲۲ق-۲۰۰۲م). *البحر الرائق شرح كنز الدقائق*. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
٣. ابن عابدین، محمد أمين بن عمر، (۱۲۵۲ق)، *رد المختار على الدر المختار*. بیروت: دارالفکر.
٤. ابن جزى الغرناطی، محمد بن أحمد، (۷۴۱ق)، *القوانين الفقهية*.
٥. ابن دقیق العید، إحکام الإحکام شرح عمدة الأحکام، (۷۰۲ق)، مطبعة السنة المحمدية.
٦. ابن قدامة، عبد الرحمن بن محمد، (۶۲۰ق)، *الشرح الكبير على متن المقنع*. بیروت: دارالکتب العربی للنشر والتوزيع.
٧. أبو إسحاق، إبراهیم ابن مفلح (۱۴۱۸ق - ۱۹۹م). *المبدع فی شرح المقنع*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
٨. أبو الفضل، عبدالله بن محمود (۱۳۵۶ق - ۱۹۳۷م). *الاختیار لتعلیل المختار*. تحقیق: عبد اللطیف محمد عبدالرحمن، بیروت: دارالکتب العلمیة.
٩. البهوتی، منصور بن یونس (۱۴۲۱ق - ۲۰۰۰م). *کشاف القناع عن متن الاقناع*. المحقق: لجنة متخصصة فی وزارة العدل، دارالنشر: وزارة العدل، المملكة العربية السعودية.
١٠. البهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۴ق - ۱۹۹۳م). *دقائق أولى النهی لشرح المنتهی المعروف بشرح منتهی الإيرادات*. عالم الکتب.
١١. الحِصْنی، محمد بن علی (۱۴۲۳ق - ۲۰۰۲م). *الدر المختار شرح تنویر الأبصار وجامع البحار*. المحقق: عبدالمنعم خلیل إبراهیم، الناشر: دار الکتب العلمیة.
١٢. الرافعی، عبد الکریم بن محمد، *فتح العزیز بشرح الوجیز*. بیروت: دار الفکر.
١٣. الإسنوی، عبدالرحیم بن الحسن (۲۰۰۹م). *الهدایة إلى أوھام الکفاة*. المحقق: مجدی محمد سرور باسلوم، دارالکتب العلمی.
١٤. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی (۱۴۱۶ق). *مجموعه فتاوی ابن جنید*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
١٥. اشتهدادی، علی پناه (۱۴۱۷ق). *مدارک العروة للإشتهدادی*. تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
١٦. الشافعی، محمد بن إدريس (۱۴۱۰ق - ۱۹۹۰م). *الأم*. بیروت: دارالمعرفة.
١٧. الأنصاری، زکریا بن محمد (۱۴۲۲ق - ۲۰۰۰م). *أسنى المطالب فی شرح روض الطالب*. تحقیق: محمد محمد تامر، بیروت: دارالکتب العلمیة.
١٨. الماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹ق - ۱۹۹۹م). *الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی*. المحقق: الشيخ علی محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود. بیروت: دارالکتب العلمیة.
١٩. الصلابی، علی محمد (۲۰۰۷م). *السيرة النبوية*. بیروت: دار ابن کثیر.
٢٠. النووی، أبو زکریا، یحیی بن شرف، (۶۷۶ق)، *المجموع شرح المذهب*. بیروت: دارالفکر.
٢١. العینی، محمود بن أحمد (۱۴۲۰ق - ۲۰۰۰م). *البنایة شرح الهدایة*. دار الکتب العلمیة - بیروت، لبنان.
٢٢. العزالی، محمد بن الغزالی، *إحياء علوم الدين*. بیروت: دارالمعرفة.
٢٣. القرطبی، محمد بن أحمد بن رشد (۱۴۰۸ق - ۱۹۸۸م). *البيان والتحصيل*. حققه: د محمد حجي وآخرون، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
٢٤. العبدری، محمد بن یوسف (۱۴۱۶ق - ۱۹۹۴م). *التاج والإکلیل لمختصر خلیل*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
٢٥. القرافی، أحمد بن إدريس، *الدخيرة*. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
٢٦. المقدسی، موسی بن أحمد، *الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل*. المحقق: عبد اللطیف محمد موسی السبکی، بیروت: دار المعرفة.
٢٧. المرْدَاوی، علی بن سلیمان (۱۴۱۵ق - ۱۹۹۵م). *الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف*، تحقیق: الدكتور عبدالله بن عبد المحسن التركي - الدكتور عبد الفتاح محمد الحلو، قاهره: هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان.
٢٨. المرْدَاوی، احمد ابن عوض (۲۰۱۱). *فتح وهاب المآرب*، تحقیق: أحمد بن عبد العزيز الجماز، دار أطلس الخضراء م
٢٩. الرویانی، عبدالواحد بن اسماعیل (۲۰۰۹ق). *بحر المذهب*. دارالکتب العلمیة.
٣٠. أفندی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۰۶۹ق)، *مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر*، دار إحياء التراث العربی.

۳۱. اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۴۲۲ق). *وسيلة النجاة (مع حواشی الإمام الخميني)*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۲. بحرانی، محمد سند، (م ۱۳۸۲ق)، *فقه الطب والتضخم التقدي*. بیروت: مؤسسه ام القرآ للتحقیق والنشر.
۳۳. جمعی از مؤلفان، *مجله فقه أهل البيت عليهم السلام (بالعربیة)*، ۵۲ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۳۴. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ق). *ریاض المسائل (ط - الحدیث)*. ۱۶ جلد، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۸ق). *تذکره الفقهاء (ط - القدیمة)*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۶. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، ۹ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. خوبی، سید ابو القاسم موسوی و تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *فقه الأعدار الشرعیة و المسائل الطبیة (المحشی)*. قم: دارالصدیقه الشهیدة سلام الله علیها.
۳۸. زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۷ق). *المفصل*. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۳۹. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۴۱۵ق). *کتاب النکاح (للشیخ الأنصاری)*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴۰. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۲۲ق). *المسائل المنتخبه (للسیستانی)*. قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
۴۱. شمس الدین، محمد بن ابی العباس (۱۴۰۴ق). *نهایة المحتاج الی شرح المنهاج*، بیروت: دار الفکر.
۴۲. شیرازی مکارم، ناصر (۱۴۲۶ق). *أحكام النساء (لمکارم)*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۴۳. صیمری، مفلق بن حسن (حسین) (۱۴۲۰ق). *غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام*. ۴ جلد، بیروت: دار الهادی.
۴۴. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. ۸ جلد، قم: المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۴۵. طباطبایی، سید محسن (۱۴۱۰ق). *منهاج الصالحین*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۴۶. عثمان بن عبدالله (۱۴۲۴ق - ۲۰۰۳م). *الفوائد المنتخبه فی شرح أخصر المختصرات*. المحقق: عبدالسلام بن برجس آل عبدالکریم، عبدالله بن محمد بن ناصر البشر، (۱۴۲۵ق)، بیروت: مؤسسه الرسالة للطباعة والنشر والتوزیع.
۴۷. عبدالله بن فهد (۱۴۳۴ق - ۲۰۱۳م). *اشتراط عدم الإنجاب فی عقد النکاح*، مجله العدل.
۴۸. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح التواعد*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۴۹. لنکرانی، محمدفاضل (۱۴۲۵ق). *جامع المسائل*. قم: امیرقلم.
۵۰. ملا، محمد بن فرامرز، ۸۸۵ق، *درر الحکام شرح غرر الأحکام*. دار إحياء الكتب العربیة.
۵۱. محمد الأمیر المالکی (۱۴۲۶ق - ۲۰۰۵م). *ضوء الشموع شرح المجموع فی الفقه المالکی*. المحقق: محمد محمود الموسوی، دار یوسف بن تاشفین - مکتبه الإمام مالک [موریتانیا - نواکشوط]
۵۲. محمد بن أحمد الشریف (۱۴۱۹ق - ۱۹۹۸م). *الإرشاد إلى سبيل الرشاد*، المحقق: عبدالله بن عبد المحسن التركي، مؤسسه الرسالة
۵۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. محقق امصحح عباش قوچانی، علی آخوندی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۴. یزدی طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۴۲۲ق). *العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخميني*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

References

The holy Quran. (in Arabic)

1. _e_ Jazi Al_ Gharnati, Mohammad Ebn_e_ Ahmad, ۱۸۷۴, Al_ Ghawanin Al_ Fegh'hieh. (in Arabic)
2. Abdolkarim, 1996, (Al-Mofassal, Resalat institute, Beiroot).
3. Abdorrahman ben Mohammad Majma'ol Anharfi Sharhi Moltaghal Abhar, Dare Ahya'o Torath, Al arabi (in Arabic)
4. Abdri, Mohammad Ebn-e-Yoosef, 1994, (Al Ta)walEklil Li Mokhtasar/khalil, DarolKotobel Elmieh. (in Arabic)
5. Abi, Fazel, Hasan ebn_e_ Abi Taleb_e_ Yoosefi, 1996, Kashfo Roomooz Fi Sharhe Mokhtasar_e_ Nafe'e, Islamic publishing office affiliated with Qom seminary community of teachers, Qom, Iran. (in Arabic)
6. Abolfazl, Abdollah Ebn_e_ Mohammad, 1937, Al_ Ekhtiar Li Ta'elil Al_ Mokhtar, researcher: Abdollatif Mohammad Abdorrahman, Dar Al_ Kotobel Elmieh, Beiroot, Lebanon. (in Arabic)
7. Aboo Eshagh, Ibrahim Ebn_e_ Mofleh, 1999, Al_ Mobde'e Fi Sharh Al_ Moghne'e, Dar Al_ Kotobel Elmieh, Beiroot, Lebanon. (in Arabic)
8. Aboo Ja'e far, Mohammad ben Hasan, 1967, (Al-Mabsoot Fi Faghhel Imamiah, 8 volumes, Al-Maktabol Mortazawiah Li Ahya'e Al-athor Al-Jafariah, Tehran, Iran. (in Arabic)

9. Ahmad Hasan ben Yoosef ben Matahar Asadi, 1992, (Mokhtalefo Shina Fi Ahkami Shariat, 9 volumes, publishing office affiliated with Qom seminary community of teachers, Qom, Iran. (in Arabic)
10. Ahmad Hasan ben Yoosef ben Motahar Asadi, 1968, (Tazkeratol Foghaha'e, T-Al-Ghadimieh), in one volume, Al-e-Bayt institute, Qom, Iran. (in Arabic)
11. Al Gharafi, Ahman Ebn-e-Edris, 1306, Al zakhira, Darol-gharbel Eslami, Beiroot. (in Arabic)
12. Al_ Ansari, Zakaria ebn_e_ Mohammad, 2000, Asna Al_ Mataleb Fi Sharh _ e_ Rawza Al_ Taleb, researcher: Mohammadmorad , Dar Al _ Kotobel Elmieh, Beiroot. (in Arabic)
13. Al_ Bohooti, Mansoor ebn_e_ Yoones, 1993, Daghaegh Oola Nahi Li Sharh Al_ Montaha Al_ Maroof Bi Sharh_e_ Montal Eradat, Alam Al_ Kotob. (in Arabic)
14. Al_ Bohooti, Mansoor ebn_e_ Yoones, 2000, Kashfol Ghane'e An Matnel Eghna'e, researcher: Lojnat Motakhasas Fi Wezarat Al _ Adl , publications: Department of justice, Arabic Saudi. (in Arabic)
15. Al_ Nawawi, Aboo Zakaria, 1298, Yahya ebn_e_ Sharaf , Al_ Majmoo_e_ Sharh Al_ Mazhab , Darolfekr, Beiroot, Lebanon. (in Arabic)
16. Al_ Rafe'ee , Abdolkarim ebn_e_ Mohammad, 1245, Fath Al_ Aziz Bi Sharh Al_ Wajiz, Darolfekr, Beiroot. (in Arabic)
17. Al_ Shafe'ee , Mohammad ebn_e_ Edris , 1990 , Al _ Om , Dar Al _ Ma'erefat , Beiroot. (in Arabic)
18. Al_ Sollabi , Ali Mohammad, 2007, Al _ Sirat Al_ Nabawiah Dar _ e _ ebn _ e _ Kathir , Beiroot. (in Arabic)
19. Al_Asnawi , Abdorrahim ebn Al _ Hasan , 2009, Al_ Hidayat Ila Awham Al_ Kifayat , researcher: Majdi Mohammad Soroor Basloom, Dar Al _ Kotobel Elmi. (in Arabic)
20. Al_Hawi, Ali ebn_e_ Mohammad, 1999, Al_ Hawi Al_ Kabir Fi feghh Al _ Mazaheb Al _ Imam Shafe'ee , researcher: Al_ Sheikh Mohammad Ma'ewaz, Al_ Sheikh Adel Ahmad Abdolmawjood, Dar Al _ Kotobel Elmieh, Beiroot, Lebanon. (in Arabic)
21. Al_Hesni , Mohammad ebn_e_ Ali , 2002, Al _ Dor Al_ Mokhtar Sharh _ e _ Tanwir Al _ Absar Wa Jame'e Al _ Behar, researcher: Abdolmonem Khalil Ibrahim, publisher: Dar Al _ kotobel Elmieh. (in Arabic)
22. Ali Akbar, 2017, Tangheeb Al osool , Eksir-e-Qalam, Babol (in Arabic)
23. Ali Eini, Mahmood ebn_e_ Ahmad, 2000, Al _ Binayat _ e _ Sharh Al _ Hidayat, Dar Al _ Kotobel Elmieh, Beiroot, Lebanon. (in Arabic)
24. ben Abdollah, 2003, Al Fawaed Al Montakhabat Fi sharh Akhsar Al-Mokhtasarat, researcher: Abdolsalam ben Berjes Ale-Abdol karim, Abdollah ben Mohammad ben Naser Al-Bashar Al-Resalat Li Toba'at wa Nashr wa Tawzi'e institute, Beiroot, Lebanon. (in Arabic)
25. ben Fahad, 2013, Ishterat Adam Al-Anjab Fi Aghde Nikah Adl magazine. (in Arabic)
26. Dezfooli, Morteza ben Mohammad Amin Ansari , 1994, (Ketabo Nikah (Sheikh Ansari), in one volume, world congress of honoring Sheikh Azam Ansari, Qom, Iran. (in Arabic)
27. Ebn_ e_ Abedin, Mohammad Amin Ebn_e_ Omar, Raed Al_ Mokhtar Alal Darel Mokhtar, Darolfekr, Beiroot. (in Arabic)
28. Ebn_e_ Daghig Al_ Eed, 1324, Ahkam Al_ Ahkam Sharh_ e_ Omdatolahkam, Matba'ato Sunnat Al_ Mohammadiyah. (in Arabic)
29. Ebn_e_ Najim, Zinedin Ebn_e_ Ebrahim, 2002, (Al_ Bahr_ o_ Raegh Sharh_e_ Kanzo Al_ Daghaegh , Dar_e_ Ehya_e_ Torath Al_ Arabi, Lebanon. (in Arabic)
30. Ebn_e_ Qodamah , Abdorrahman Ebn_e_ Mohammad, 1242, Al_ Sharh Al_ Kabir Ala Matn Al_ Moghna'e , Dar Al_ Ketab Al_ Arabi li Nashr Wa Tawzi'e , Beiroot. (in Arabic)
31. Eshtehardi, Alipanah, 1996, Madarek Al_ Orwat Li Eshtehardi, 30 volumes, Dar Al_ Oswah Li Taba'at Wa Nashr , Tehran, Iran. (in Arabic)
32. Ghazali, Mohammad Ebn-e-Ghazali, 1127, Ayha-e-olom-e-Deen, Darolma'erefat, Beiroot (in Arabic)
33. group of authors, Majalate Fighhi Alhi Beyt (in Arabic), 52 volumes, Islamic juris prudence encyclopedia institute on the religion of Ahl Al-Beyt, Qom, Iran. (in Arabic)
34. Iskafi, Ebn_e_ Jonayd, Mohammad ebn_e_ Kateb _ e _ Baghdadi, 1995, lunar year, Majmoo' e Fatawa _ e _ ebn_e_ Jonayd in one volume, publishing office affiliated with Qom seminary community of teachers, Qom, Iran. (in Persian)
35. Korki, the second researcher (Mohaghegh-e-thani), Ali ben Hossein, 1993, Jameolmaghased Fi sharh Al-Qawaed, the 13th institute of Al-Al Bayt-Qom, Iran. (in Arabic)
36. Mardawi, Ahmad ben Ewaz, 2011 (Fath wahab Al Ma'arib, researcher: Ahmad ben Abdol Aziz Alghamaz, Dari Atlas Alkhazra'e. (in Arabic)
37. Marolawi, Ali ben Salman, 1995, (Al Ensaf Fi Ma'refati Rajeh Minal Khalif, researcher: Dr. Abdollah ben Abdolmohsen Al Torqi, Dr. Abdolfattah Mohammad Alhoo, Hejr Litaba'at wa nashr wa Tawzi'e wal E'elan Cairo. (in Arabic)
38. Moghadasi, Moosa ben Ahmad, 1242, Al Eghna'e Fi Feghhel Imam Ahmad ben Hanbal, Researcher: Ablollatif Mohammad Moosa Al sabki, Darolma'erefat, Beiroot, Lebanon. (in Arabic)

39. Mohammad Al_ Amir Al_ Maleki , 2005, Zaw_o_ Shamoo'e , Sharh Al_ Majmoo'e Fi Al_Feghh Al_ Maleki, researcher: Mohammad Mahmood Al_ Masmoomi, Daar _e _ Yoosef ebn _e _ Tashfin , Maktabat Al_ Imam Malek [Mauritania, Nouakchott]. (in Arabic)
40. Mohammad ben Abil Abbas, 1983, (Nahayatol Mahta)ila Sharel Menhaj,Darolfekr,Beirut. (in Arabic)
41. Mohammad ben Famaraz,1480, Darorol Hekam Sharhe Ghororol Ahkam,Dare Ehyael kotob Al-Arabia. (in Arabic)
42. Mohammad ebn_ e_ Ahmad Al_ Sharif , 1998, Al_Irshad Ila Sabil Al_ Rashad , researcher: Dr. Abdollah ebn_e_ Abd Al_ Mohsen Al_ Torki , Al_ Risalat institute. (in Arabic)
43. Mohammad Fazel, 2004, Jameol Masael,Amir Qalam,Qom. (in Arabic)
44. Mohammad Hasan , 1984, Jawaher Al_ Kalam Fi Sharh _e _ Sharae'e Al _ Islam , researcher/ editor: Abbas Ghoochani , Ali Akhoondi , Dar_e _ Ehya'e Al _ Torath Al _ Arabi, Beirut, Lebanon. (in Arabic)
45. Mohammad, 1963, Sanad Figh-e-Teb wa Tazkhim Al Naghdi Omol Qora'e Li Tahghigh wa nashr institute,Beirut,Lebabon. (in Arabic)
46. Molfeh ben Hasan(Hosseini), 1999,Ghaytol Maram Fi Sharh Sharayeol Islam,4 volumes,Darol-Hadi,Beirut. (in Arabic)
47. Naser Makarem, 2005, (Ahkam-o-Nisa'e),in one volume,Ali ben Abi Taleb's school publications,Qom,Iran. (in Arabic)
48. Qortobi ,Mohammad Ebn-e-Roshd,1988,Albayan wa tahsil,researcher:Dr.Mohammad Haji wa Akharoon,Darol-gharbel Eslami,Beirut,Lenanon(in Arabic)
49. Royani,Abdol Wahed,ben Ismaeel,2009,Bahrol Mazahab,Darol Kotobel Elmieh. (in Arabic)
50. Seyyed Abdol Hasan, 2001,Wasilato Najat(ma'a Hawashiel Khomeini)in one volume,Khomeini publishing and editing institute,Qom,Iran. (in Arabic)
51. Seyyed Abdolghasem,Mousavi-e-Tabrizi,Jawad ben Ali, 2006,(Feghh-lo A'ezar-e-shariat wal Masaelo Tayyebat (Al-Mohashi)in an volume,Daro Sedighate Shahidat,Qom,Iran(in Arabic)
52. Seyyed Ali ben Mohammad Tabataba'e, 1997, Riazol Masael(Ti-AlHadithah),16 voloumes,Al Al_Bayt institute,Qom,Iran (in Arabic)
53. Seyyed Ali Hosseini, 2001, Al-Masaeolol Montakhabat(Sistani's book)in one volumes Sistani's office,Qom,Iran. (in Arabic)
54. Seyyed Mohsen, 1989, (Menha) Al Salehin,Daro Al Ta'aref lil Matboot,Beirut,Lebanon. (in Arabic)
55. Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem Tabatabaee , 2001, Al _ Orwat Al _ Wothgha Ma'a Ta'eligh Al_ Khomeini, institute for editing and publishing Khomeini's works, Tehran, Iran. (in Arabic)